

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

سیاه و سفید

ای بتِ جامه سیاه، ای صنم روی سفید
نظری کنز به سپهرزی این موی سفید
که خمیده است رسا قامتش از بار فراق
که دمیده است به پیشانیش ابروی سفید
میخرامی به خیابان به رقیب از سر مهر
با سیه پیرهن تا سر زانوی سفید
عطر میخیزد از آن کاکل عنبرافشان
مشک میبارد از آن موی، بمشکوی سفید
چه شنیدی تو از آن بی ادب روی سیاه
که ز من میرمی هر بار چو آهوی سفید
خشک شد اشک ز سرچشمه چشم، دیگر
آب رنگین نرود باز در این جوی سفید
پیر گردیده ام و ذوق هم آغوشی هست
کاش یارم بکشد باز، به بازوی سفید

شکوه بیجاست «اسیر» از غم پیری که ترا

موی بر تارک سر هست چو شبوی سفید

(شهر بن - المان، اگست 1998م)